

فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم
سال چهارم (۱۳۹۳) شماره ۱۱

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها

سید علی دلبری^۱

چکیده

با توجه به آسیب‌پذیر بودن حدیث، محدثان از دیرباز، بر این باور بوده‌اند که استفاده از این گنجینه گرانسنگ، نیازمند طی مقدماتی است که یکی از آنها شناسایی آسیب‌ها و زدودن پیامدهای نامطلوب آن است. «تحریف» به معنای تغییر یافتن حدیث در لفظ یا معنا، یکی از این آفتهای راه‌یافته در احادیث است که تشخیص آن و توجه به پیامدهای نامطلوبی که دارد پژوهشی دقیق را می‌طلبد. تحریف متون دینی سابقه دیرینه‌ای داشته و از دیرباز مورد توجه و دغدغه متفکران اسلامی بویژه حدیث‌پژوهان بوده است. این نوشتار، با روش توصیفی - تحلیلی با هدف بیان عوامل و پیامدهای تحریف در احادیث، شکل گرفته است. از آنجا که اندک تغییر در حروف و کلمات، ما را در رسیدن به مقصود اصلی معصوم (ع) ناکام می‌گذارد، توجه به آسیب «تحریف» از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این مقاله به بررسی مفهوم تحریف، انواع، عوامل و پیامدهای آن پرداخته شده است. ابهام و نارسایی عبارات، اضطراب، تعارض و تغییر در مقاصد حدیث برخی از پیامدهای آن است. البته حدیث‌پژوه می‌تواند با تشکیل خانواده حدیث، جامع‌نگری و یافتن تمامی احادیث مشابه و مرتبط به موضوع، به متن منقح و غیر محرف حدیث دست یابد.

واژگان کلیدی: فقه الحدیث، تحریف حدیث، محرف، آسیب‌شناسی فهم حدیث.

^۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی / saddlebari@gmail.com

۱. طرح مسأله

بی‌تردید، احادیث در میان منابع معرفتی اندیشه اسلامی گنجینه گرانسنگی هستند. از آنجا که آفات فراوانی بر سر راه فهم صحیح و کامل حدیث قرار گرفته است، استفاده بهینه از این سرمایه پربها، بررسی آسیب‌ها و موانع فهم آن را ضروری می‌نماید.

یکی از آفات جدی و آسیب‌های بیرونی فهم حدیث، آفت «تحریف» است که به متن و سند حدیث آسیب می‌رساند. به این نوع حدیث «محرّف» گویند. تحریف، مصدر به معنای: «کج کردن، منحرف ساختن، تغییر و تبدیل دادن و گرداندن کلام از وضع و طرز و حالت اصلی خود، بعضی حروف را عوض کردن و تغییر دادن معناست. محرّف، اسم مفعول آن به معنای: «تحریف شده، کلامی که در آن تغییر داده شده باشد» (خلیل بن احمد، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۱۱/ ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۴۳/ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۳۶/ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۵).

راغب می‌گوید: تحریف کلام، آن است که آن را در گوشه‌ای از احتمال، قرار بدهی که بتوان آن را به دو وجه حمل کرد. وی سپس به سه آیه ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾ (النساء: ۴/ ۴۶ و المائدة: ۵/ ۱۳)، و ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ﴾ (المائدة: ۵/ ۴۱)، ﴿وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ﴾ (البقره: ۷۵/ ۱۲) استشهاد نموده است. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۲۹) براساس این آیات، می‌توان گفت تحریف کلام به معنای سخن صریح را محتمل کردن (تحریف معنوی) (ر.ک: پی‌نوشت شماره ۱) و یا جای کلمه‌ها را تغییر دادن (تحریف لفظی) است (ر.ک: پی‌نوشت شماره ۲). حدیث «محرّف» در اصطلاح، چنین تعریف می‌شود: «هُوَ مَا غَيَّرَ سَنَدَهُ أَوْ مَتْنَهُ بغيره، و لَوْ بِمَا لَا يُنَاسِبُهُ لِإثباتِ مَطْلَبِ فَاسِدٍ» (شریعتمدار، ۱۳۷۸، ص ۴۵۶/ جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹)؛ محرّف حدیثی است که سند یا متن آن، به هدف اثبات مطلب فاسدی تغییر یابد؛ یعنی از روی عمد کم یا زیاد شده و یا حرف و کلمه‌ای به جای دیگری نهاده شود. برخی از درایه‌نویسان، «تحریف» را به گونه‌ای دیگر، معنا کرده‌اند (ر.ک: پی‌نوشت شماره ۳)؛ لکن تعریف نقل شده پیشین با لغت و عرف و نیز با اطلاقات روایات و آیات، سازگارتر است.

۲. اهمیت تحریف‌زدایی از احادیث

در اتقان و مصونیت قرآن از هر گونه دستبرد و تحریف، شکی نیست؛ اما احادیث به رغم تأکید پیامبر (ص) و اهتمام اهل بیت (ع)، از چنین پشتوانه‌ای برخوردار نیست؛ زیرا فرقه‌های گوناگون در تمسک به قرآن و تأیید گرفتن از آن برای مقاصد خود، محدودیت داشتند؛ ولی نسبت به حدیث، با چنین مشکلی روبرو نبودند و باسانی، سخنی را به معصوم (ع) نسبت داده یا بخشی از کلام آنان را تحریف و نقل می‌کردند.

در بخشی از سخنان امام صادق (ع) به عبدالله بن زراره، آمده است: «إِنَّ النَّاسَ بَعْدَ نَبِيِّ اللَّهِ (ص) رَكِبَ اللَّهُ بِهِ سُنَّةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَغَيَّرُوا وَ بَدَّلُوا وَ حَرَّفُوا وَ زَادُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَ نَقَصُوا مِنْهُ فَمَا مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ النَّاسُ الْيَوْمَ إِلَّا وَ هُوَ مُحَرَّفٌ عَمَّا نَزَلَ بِهِ الْوَحْيُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۴۸)؛ مردم پس از پیامبر خدا (ص) (بر اثر فتنه و به‌خودواگذاری) همان شیوه مردم قبل از خود را دنبال کردند و در دین خدا، دست به تغییر، تبدیل، تحریف، زیاده و نقیصه زدند، تا آنجا که اکنون، دیگر چیزی از باورهای صحیح مردم باقی نمانده مگر آنکه دستخوش تحریف

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۸۳

و از مسیر وحی، منحرف شده است.

و نیز حضرت امام صادق (ع) در جای دیگری می‌فرماید: گاه برای برخی از اینان حدیث می‌کنم و او از نزد من خارج نمی‌شود تا اینکه بی‌مورد، توجیه می‌کند. این بدان جهت است که آنها از حدیث ما و محبت ما دنبال آخرت نیستند؛ بلکه دنیا را می‌خواهند و هر کدامشان دوست دارند که فرد مهمی به حساب آیند (کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۳۵، رقم ۲۱۶ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۲۴۶ و ۳۰۹).

از این رو، امام صادق (ع) سفارش اکید فرموده است که علم و دانش خود را از هر کس نگیرید، ایشان می‌فرماید: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ ذَاكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دَرَهْمًا وَ لَا دِينَارًا وَ إِنَّمَا أُورِثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ فَمَنْ أَخَذَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حِطًّا وَ أَفْرًا فَانظُرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ فَإِنَّ فِيْنَا أَهْلَ الْاَبْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُوًّا يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْغَالِيْنَ وَ اَنْتِحَالَ الْمُبْطِلِيْنَ وَ تَاْوِيْلَ الْجَاهِلِيْنَ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۲ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۹۲ و ۱۵۱). براسستی، دانشمندان وارثان پیامبران‌اند و این بدان جهت است که پیامبران پول طلا و نقره از خود به ارث نمی‌گذارند و تنها سخنان و احادیثی از خود برجای می‌نهند. پس هر کس چیزی از آنها را برگیرد به بهره‌فراوان دست یافته است. پس نیکو بنگرید که این علم خود را از چه کس می‌گیرید؛ زیرا در میان خاندان ما اهل بیت، در هر نسلی، مردمان عادل‌ی هستند که آموزه‌های دینی را از تحریف‌غالیان و به‌خودبستن باطل‌پسندان و تاویل و بدمعنی کردن نادانان باز می‌دارند.

مرحوم حسن بن زین الدین، مؤلف کتاب «منتقى الجمان» درباره‌ انگیزه خود از تألیف آن، می‌نویسد: «آنچه مرا به این کار واداشت، آن بود که می‌دیدم کار حدیث سخت، بی‌سامان شده و از هم گسیخته است؛ به طوری که اشتباه و تصحیف، عمومی گشته و از خلال آن، دگرگونی و تحریف هم فراوان شده است (عاملی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲).

وحید بهبهانی می‌نویسد: «وَ اَيْضًا رَبَّمَا سَقَطَ مِنَ الرَّوَايَةِ شَيْءٌ، اَوْ وَقَعَ تَصْحِيفٌ، اَوْ تَحْرِيفٌ، اَوْ زِيَادَةٌ، اَوْ تَقْدِيمٌ، اَوْ تَاْخِيْرٌ، اَوْ غَيْرُ ذَلِكَ بَلْ وَقَعَتْ فِي كَثِيْرٍ مِنْ اَخْبَارِنَا، كَمَا لَا يَخْفَى عَلَي الْمَطَّلِعِ» (وحید، ۱۴۱۵، ص ۱۱۹) و در جای دیگر، گوید: «مَعَ اَنَا رَاَيْنَا كَثِيْرًا مَا وَقَعَ فِي اَخْبَارِنَا تَقْدِيْمٌ وَ تَاْخِيْرٌ وَ سِقْطٌ وَ اَشْتِبَاهٌ وَ تَحْرِيفٌ وَ تَصْحِيفٌ... اِلَى غَيْرِ ذَلِكَ» (وحید، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۴).

شهید مطهری این حرکت ناپسند را این گونه ترسیم کرده است: «تحریف از پشت خنجر زدن است. ضربت غیر مستقیم است که از ضربت مستقیم خطرناک‌تر است» (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۱۷، ص ۶۱۱). از آنجا که اندک تحریف و تغییر در حدیث، مانع از فهم درست و درک مقصود اصلی معصوم (ع) می‌شود، توجه به پدیده تحریف به عنوان یکی از آسیب‌های فهم حدیث، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این مجال این پرسش مطرح است اگر در حدیث تحریف رخ داده، عوامل آن چیست و چه پیامدهایی بر آن مترتب است؟ پاسخ این پرسش پژوهش مستقلی را می‌طلبد.

۳. انواع تحریف در حدیث

برخی از محققان تحریف در احادیث را به چند قسم تقسیم کرده است (سیحانی، ۱۴۲۰، ص ۷۸):

 ۱۸۴ دو فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۳-۱. **تحریف معنوی:** تحریف معنوی به معنی تفسیر سخنی بر خلاف معنی ظاهرش و در نظر گرفتن معنی دیگری برای آن بدون هیچ دلیل و قرینه‌ای است. گویا هر سخنی طبق قانون وضع الفاظ و بر حسب طبع اولی خود، یک مجرای طبیعی و عادی دارد که به معنی و مضمون خود دلالت می‌کند، اما تحریف‌کننده، آن را از مجرای طبیعی و معنای اصلی منحرف کرده به کناری می‌برد (معرفت، ۱۴۱۳، ص ۱۳).

از دیدگاه شهید مطهری، تحریف معنوی یعنی «منحرف کردن روح و معنی یک جمله یا یک حادثه» (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۲۸۴). پس، در اینگونه تحریف، در عبارات و الفاظ حدیث، چیزی از قبیل زیاده و نقیصه راه نیافته؛ لکن متن روایت برخلاف معنای اصلی و مقصود گوینده، تأویل و توجیه می‌شود. خطر تحریف معنوی اگر بیشتر از تحریف لفظی نباشد، کمتر از آن نیست.

برای نمونه، رسول خدا (ص) درباره عمار یاسر فرمود: «يَا عَمَارُ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ وَ أَنْتَ إِذْ ذَاكَ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَكَ» (حلی، ۱۹۸۲، ص ۲۲۴/ فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۷۸)؛ ای عمار، جمعی یاغی و سرکش از دین و ستمکار، تو را می‌کشند و تو آن روز با حقی و حق با توست. با توجه به این حدیث، بعد از شهادت عمار در جنگ صفین، در لشکر معاویه تزلزل و تردید حاصل شد. معاویه که همیشه با حيله و نیرنگ، کار خود را پیش می‌برد، این بار با تحریف معنوی و تفسیر ناروای مشاورش (عمرو بن عاص)، جان تازه‌ای به لشکر بخشید او گفت: عمار را ما نکشتیم، علی (ع) عمار را کشت که او را به این میدان آورد و موجبات کشته شدنش را فراهم کرد (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۷).

نمونه دیگر، حدیث «اِخْتَلَفَ أُمَّتِي رَحْمَةً» (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۱۳۶) است که در آن، امام صادق (ع) «اختلاف» را به معنای «آمد و شد» گرفته‌اند نه اختلاف دیدگاه مسلمانان (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۱۵۷).

۳-۲. **تحریف لفظی:** مقصود تغییر در الفاظ حدیث به زیادی و نقصان، تقدیم و تأخیر و... است.

تحریف لفظی حدیث به شش صورت متصور است:

۳-۲-۱. **تحریف در حرکات و اعراب کلمه:** برای نمونه از ابوموسی محمد بن المثنی العنزی، نقل شده که گفت: «نَحْنُ قَوْمٌ لَنَا شَرَفٌ نَحْنُ عَنَزَةُ صَلَّى إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص)» (صدر، بی تا، ص ۳۰۵/ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۱۱۱) که راوی لفظ «عَنَزَةُ» را که مراد عصای کوتاه است در حدیث «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَجْعَلُ الْعَنَزَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ إِذَا صَلَّى» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۹۶) به (عَنَزَةُ) که نام قبیلۀ خود راوی است، تحریف نموده و مفاد حدیث را که حاکی از نمازگزاردن رسول خدا (ص) به طرف عصای خویش است به نماز گزاردن رو به قبیلۀ عنزه تغییر داده است (عاملی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۹/ قاسمی، بی تا، ص ۱۲۶). گرچه درایه‌نویسان این مورد را برای تصحیف مثال زده‌اند؛ لکن به احتمال قوی، راوی از روی قصد و عمد، لفظ را تغییر داده است و بنابراین، از نمونه‌های تحریف خواهد بود.

۳-۲-۲. **تحریف در حروف کلمه:** برای نمونه، امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُحِبٌّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالَ» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۹/ شهیدی، ۱۳۷۰، ص ۳۸۱/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۲۸۵)؛ دو تن به خاطر من تباه شدند: دوستی که از اندازه نگاه نداشت و آن که مرا مبعوض داشت و دشمن شد، (نه به معنی آن که در بغض نسبت به من، زیاده‌روی کرد) (میرداماد، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵). این حدیث در «کنز العمال» به (مُبْغِضٌ غَالٍ) تحریف شده است (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۳۲۴).

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۸۵

۳-۲-۳. **تحریف با تعویض کلمات:** بدینگونه که کلمه‌ای برداشته و کلمه‌ای دیگر جایگزین آن شود. حدیث ذیل نمونه‌ای از اینگونه تحریف است: «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ بَلَغَ عُمَرُ أَنَّ سَمْرَةَ بَاعَ خُمْرًا فَقَالَ قَاتَلَ اللَّهُ سَمْرَةَ أَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ حَرَّمَتْ عَلَيْهِمُ الشُّحُومَ فَجَمَلُوها فَبَاعُوها» (مسلم، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۱)؛ از ابن عباس نقل است که به عمر خیر رسید سمره بن جندب شراب می‌فروشد. عمر گفت: خدا سمره را بکشد؛ مگر نمی‌داند که پیامبر خدا (ص) فرمود: «لعنت خدا بر یهود باد، پیه‌ها و چربیها بر ایشان حرام شد، آنها را ذوب (آب) کردند و فروختند».

در حدیث فوق برخی مانند مسلم، به اسم سمره تصریح نموده‌اند (دارمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۱۱۵/ حمیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹/ نسائی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۳۴۲/ ابن عبد البر، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۴۳) و برخی دیگر به دلیل اینکه ساحت قدسی صحابه مخدوش نگردد، نام سمره را حذف و بجای ذکر نام او از کلمه «فلاناً» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۴۰/ ابن حجر، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۴۴) یا «رجلاً» (شافعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۳ و ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۹۴) استفاده کرده‌اند.

۳-۲-۴. **تحریف موضعی با تقدیم و تأخیر:** مراد از این نوع تحریف آن است که برخی الفاظ حدیث جابجا

شده و در جایگاهی غیر از جایگاه اصلی خود که از معصوم (ع) صادر شده قرار گیرند. در «خصال»، روایت شده است: زید بن وهب گوید: آنان که با نشستن ابی بکر در مسند خلافت و تقدّمش بر علی بن ابی‌طالب، مخالفت کردند از مهاجرین و انصار دوازده نفر بودند، از مهاجرین خالد بن سعید بن العاص بود و مقداد بن الاسود و ابی بن کعب و عمار بن یاسر و ابوذر غفاری و سلمان فارسی و عبدالله بن مسعود و بریده اسلمی و از انصار، خزیمه بن ثابت ذوالشهادتین و سهل بن حنیف و ابویوب انصاری و ابوالهیشم بن التیهان و دیگران بودند (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۴۶۱/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۲۰۸). در خبر خصال، با تقدیم و تأخیری که از سوی راویان صورت گرفته است، ابی بن کعب خزرجی انصاری را با مهاجران خلط کرده‌اند.

برقی (برقی، ۱۳۸۳، ص ۶۳)، طبرسی (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۵) به نقل از امام صادق (ع) و احمد بن محمد طبری، معروف به خلیلی، از عامه (سید بن طاوس، ۱۴۱۳، ص ۳۳۶) نیز این خبر را روایت کرده‌اند و در هر سه مورد، تصریح شده است که ابی بن کعب از انصار بوده و از دوازده تن، شش تن مهاجر و شش تن انصار بوده‌اند، در حالی که در خبر خصال، مهاجران هشت تن و انصار چهار تن‌اند و ابی بن کعب انصاری را جزو مهاجران محسوب داشته و ابن مسعود را به آنان افزوده است، حال آن که در هیچ یک از سه مأخذ پیش گفته، نامی از ابن مسعود برده نشده است.

از دیگر تحریفات خبر خصال، حذف سخنان ابی بن کعب در مسجد، در مقام احتجاج با خلیفه اول است. و نیز در همین خبر، زبیر را که در آن موقع، با علی (ع) بود (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۱) از همراهان عمر محسوب داشته است (شوشتری، ۱۴۰۱، ص ۲۳/ صدوق، ۱۳۶۱، ص ۴۶۱/ جلالی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۹).

۳-۲-۵. **تحریف به زیاده:** افزودن کلمه یا جمله‌ای به متن حدیث.

شهرستانی در «الملل والنحل»، می‌گوید: شیعیان می‌گویند: «علی در سحاب (ابر) می‌آید و رعد، صدای اوست و برق، خنده او» (شهرستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۴/ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۱۰۰). حلبی در کتاب «سیره»، آورده است: پیامبر (ص) عمامه‌ای داشت به نام «سحاب»، آن را به علی (ع) بخشید و بسا بود که علی با آن عمامه از راه

۱۸۶ دو فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

می‌رسید و پیامبر (ص) می‌فرمود: «علی» در «سحاب» پیش شما آمد. منظور حضرت همان عمامه سحاب بود که به او بخشیده بود (حلبی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۴۵۲ / طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳). بر این اساس، مقصود شیعه هم از جمله «علی (ع) در سحاب می‌آید»، همین عمامه است و نه آنچه شهرستانی با تحریف، به شیعه نسبت داده است. افزون بر آن، در «کنز العمال» و «فرائد السمّین»، روایت کرده‌اند که: رسول خدا (ص) عمامه سحاب خود را بر سر علی بن ابی‌طالب (ع) پیچید و دنباله آن را از جلو و عقب او انداخت و فرمود: پیش بیا، پیش آمد، فرمود: عقب برو، عقب رفت، فرمود: فرشتگان (در جنگ بدر) به همین صورت نزد من آمدند. (به نقل از امینی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۹۲) و نیز از علی (ع) روایت شده است که فرمود: در روز غدیر خم پیامبر (ص) عمامه‌ای بر سر من نهاد و ادامه آن را بر دوشم افکند و فرمود: خداوند در جنگ بدر و حنین، مرا به فرشتگانی مدد رساند که این گونه عمامه بسته بودند (متقی، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۴۸۲ / بیهقی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۴ / عسکری، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۳۴ به نقل از: جوینی، فرائد السمّین، ج ۱، ص ۷۶). البته، در نقل شهرستانی، تحریف معنوی نیز وجود دارد.

۶-۲-۳. تحریف به نقیصه: ساقط شدن کلماتی از متن روایت.

تقطیع نادرست عمدی احادیث نوعی تحریف است که در همین قسم جای می‌گیرد. بخاری در جامع خود، به سندش از بریده، حدیث «ولایت» را نقل کرده، ولی قسمتی را که دلالت بر ولایت امیرالمؤمنین، علی (ع) داشته حذف کرده است. بریده می‌گوید: پیامبر (ص) علی (ع) را به سوی خالد فرستاد تا خمس را از او بگیرد. بریده می‌گوید: من علی را دشمن می‌داشتم ... و این را به خالد نیز گوشزد کردم. وقتی خدمت پیامبر (ص) رسیدیم، این را به ایشان هم عرض کردم. حضرت فرمود: ای بریده، آیا علی را دشمن می‌داری؟ عرض کردم: آری. فرمود: او را دشمن مدار؛ زیرا برای او در سهم خمس بیش از این مقدار است. (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۱۰)

بخاری حدیث بریده را با هدف خاصی تقطیع کرده و ادامه سخن پیامبر (ص) را حذف نموده است. این حدیث در سایر منابع اهل سنت چنین نقل شده است: «... لَأَتَّعُ فِي عَلِيٍّ فَإِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ وَ هُوَ وَ لِيَكُم بَعْدِي» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۵۶ / هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۱۲۸ / ابن حجر، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۳ / متقی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۶۰۸، ج ۳۲۹۴۲ / مناوی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۷۱).

در برخی از نقلها ادامه قصه اینگونه آمده است: «... مَا تُرِيدُونَ مِنْ عَلِيٍّ؟ إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ وَ هُوَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي» (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۹۶ / نسائی، بی‌تا، ص ۱۴ و ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۳۲ / عمرو بن ابی‌عاصم، ۱۴۱۳، ص ۵۵۰ / حاکم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۱ / حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۵۱ / ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۱۱ / ابن بطریق، ۱۴۰۷، ص ۲۰۳ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۲۲۰).

این تقطیع از ناحیه بخاری صورت گرفته است و حاکم نیشابوری و برخی از بزرگان محدثان اهل سنت نیز به آن اشاره کرده‌اند (حاکم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۱).

ابن دحیة اندلسی بعد از نقل این حدیث از بخاری، می‌گوید: «این حدیث را بخاری به صورت ناقص و نیمه‌کاره نقل کرده است همان‌گونه که شما آن را مشاهده می‌کنید، و این از عادات او در نقل احادیثی از این قبیل است که به طور حتم، از سوء رأی او در بازداشتن مردم از این راه ناشی می‌شود». از جمله کسانی که حدیث فوق را تحریف کرده- و لو به نحو دیگر- ولی‌الله دهلوی است. او به جای ضمیر غایب «آنه» و یا «هو»، ضمیر «أنا» آورده و نیز کلمه «بعدی» را از آخر حدیث حذف و حدیث را اینگونه نقل کرده است: «... مَا تُرِيدُونَ مِنْ عَلِيٍّ؟ إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۸۷

أَنَا مِنْهُ وَ أَنَا وَكِي كُلُّ مُؤْمِنٍ». البته، هر شخص دارای ذوق سالمی پی به بطلان این جمله خواهد برد؛ بویژه این که همین مؤلف، این حدیث را در کتاب «قره العینین» خود، بدون تحریف آورده است (تهرانی، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۴۵). گاهی هم یک حدیث را به هر دو گونه لفظی و معنوی تحریف نموده‌اند؛ مانند: این سخن معروف پیامبر (ص) که فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (حاکم، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۶ / خطیب بغدادی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۷ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۱۰۷ / حلی، ۱۹۸۲، ص ۲۲۱ / فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۵۰)؛ من شهر علم و علی (ع) باب آن است.

در این حدیث دو گونه تحریف رخ داده است:

الف) تحریف لفظی: برخی در عصر معاویه، بر این حدیث افزودند که: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ أَبُو بَكْرٍ أَسَاسُهَا وَ عُمَرُ حِيطَانُهَا وَ عَثْمَانُ سَقْفُهَا وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲۳ / شوشتری، ۱۳۶۷، ص ۱۳۲)؛ من شهر علمم و ابوبکر پایه آن و عمر دیوار و عثمان سقف آن و علی در آن است.

علامه عسکری می‌نویسد: در نقد متن این حدیث، همین قدر می‌گوییم که یک شهر می‌تواند دیوار و در داشته باشد، اما سقف داشتن آن امری غیر معقول است (عسکری، بی تا، ج ۶، ص ۳۶).

ب) تحریف معنوی: خوارج گفتند «علی» در این حدیث اسم فرد خاص (علی بن ابی طالب ع) نیست؛ بلکه صفت مشابه از «علو» است و معنای حدیث این می‌شود: «من شهر علمم که دروازه آن هم بلند است» (رحمانی، ۱۴۱۷، ص ۲۸۲ / ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲۲). مناوی در «فیض القدر»، پس از اشاره به این برداشت فاسد، آن را رد نموده است (مناوی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۰ / مغربی، ۱۴۰۳، ص ۱۵۷ / جزائری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۵۸ / میلانی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۴۵).

تحریف از جهت دیگری نیز قابل تقسیم است؛ از آن جهت که این تغییرات گاهی در «متن» واقع می‌شود و گاهی در «سند» (میرداماد، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵ / مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۴۳).

۴. عوامل تحریف

علل و عوامل متعددی هستند که مایه تحریف حدیث می‌شوند و از متن حدیث، معنایی را به ذهن می‌آورند که مراد گوینده نبوده است. در این میان، شناخت آنها در درست پیمودن حرکت کشف تحریف و فهم صحیح حدیث ضروری است. برخی از آنها عبارتند از:

۴-۱. تدلیس و فریبکاری راوی.

از جمله خبرهایی که از روی غرض‌ورزی و فریبکاری، تحریف شده و واژگانش دگرگون یا محذوف گردیده، موارد زیر است:

الف) خطیب بغدادی، از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است: «إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ يَخْطُبُ عَلِيَّ مِنْبَرِي فَأَقْبِلُوهُ، فَإِنَّهُ أَمِينٌ مَأْمُونٌ» (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۹ / شوشتری، ۱۴۰۱، ص ۲۳۰). هرگاه مشاهده کردید معاویه بر منبرم سخن می‌گوید، او را پذیرا شوید و تصدیق کنید؛ زیرا وی درستکار و درخور اطمینان و معتمد است.

اصل این خبر، بر طبق روایت ابن مزاحم در کتاب «وقعة صفین»، از حسن بصری، از پیامبر اکرم (ص) چنین

۱۸۸ دو فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

است: «إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ يَخْطُبُ عَلَيَّ مِنْبَرِي فَأَقْتُلُوهُ» (ابن مزاحم، ۱۴۰۳، ص ۲۱۶ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۱۸۶)؛

هرگاه مشاهده کردید معاویه بر منبر من سخن می‌گوید، او را بکشید و هلاک کنید!

تحریف‌کنندگان در این خبر، کلمه «فَأَقْتُلُوهُ» (او را بکشید) را به «فَأَقْبَلُوهُ» (او را بپذیرید و تصدیق کنید) تغییر داده و عبارت «فَإِنَّهُ آمِنٌ مَّامُونٌ» (زیرا که او درستکار و معتمد است) را شاهد این تغییر قرار داده‌اند تا اذهان مخاطبان منحرف و مجاب‌گردد (جلالی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۲/ نیز برای نمونه‌های بیشتر، رک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۳، ص ۵۴ / شوشتری، ۱۴۰۱، ص ۶۳).

ب) حدیثی که غلات از امام باقر (ع) نقل می‌کردند و بر مبنای آن، هر حرامی را حلال می‌دانستند که حضرت فرموده است: «إِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ». این در حالی است که اینها به هدف ترویج اباحه‌گری ذیل سخن امام را حذف نموده‌اند. این مطلب پس از عرضه حدیث به امام صادق (ع) چنین تبیین شده است:

شخصی از امام صادق (ع) پرسید: این ناپاک‌ها از پدرت، روایت می‌کنند و می‌گویند چنین فرموده است که: «چون به مرحله شناخت رسیدی، هر چه می‌خواهی بکن» و ایشان بعد از آن، هر چه را حرام گردیده حلال می‌شمردند. امام (ع) فرمود: چنین حقی ندارند - خدا آنها را از رحمت خود، دور گرداند- بلکه پدرم فرمود: «إِذَا عَرَفْتَ الْحَقَّ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ خَيْرٍ يُقْبَلُ مِنْكَ» (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۱۸۲ / کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۶۴ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۷۴)؛ وقتی حق را شناختی، هر عمل نیکی انجام بده که از تو پذیرفته می‌شود.

ج) پیامبر اکرم (ص) خطاب به حضرت علی (ع) فرمود: «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۵۴ و ج ۲، ص ۱۸۵ / مسلم، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۶ / ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۸ و ۱۱۸ / صدوق، ۱۴۰۰، ص ۱۷۴ / دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۱۴ / طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۸۹)؛ همانا، تو نسبت به من، چون هارون نسبت به موسی هستی.

اسماعیل بن عیاشی می‌گوید: «حریز بن عثمان به من گفت: شنونده این حدیث اشتباه کرده است؛ پرسیدم حدیث صحیح آن چگونه است؟ گفت: چنین است: «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ قَارُونَ مِنْ مُوسَى». از حریز پرسیدم چه کسی این گونه نقل نموده است؟ در پاسخ گفت: ولید بن عبدالملک بالای منبر» (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۹ / خطیب، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۶۸ / محمد ابن عقیل، ۱۴۱۲، ص ۱۱۷).

۲-۴. تعصب مذهبی ناسخان و اعمال سلیقه آنان

به عنوان نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

الف) امام علی (ع) می‌فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ... وَالْإِمَامَةَ نِظَاماً لِلْأُمَّةِ وَالطَّاعَةَ تَعْظِيماً لِلْإِمَامَةِ»؛ خدا ایمان را واجب کرد برای پاکی از شرک و ورزیدن، و نماز را، برای پرهیز از خودبزرگ‌دیدن، و... امامت را تا نظام امت پایدار باشد و فرمانبرداری را، تا امام- در دیده‌ها- بزرگ نماید (شهیدی، ۱۳۷۰، ص ۴۰۲).

در برخی از نسخه‌های نهج‌البلاغه (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۱۲ و نک. صبحی صالح، ۱۳۹۵، ص ۵۱۲ / ابن شهر آشوب / ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۷۷) در این حدیث «الْأَمَانَةَ» بجای «الْإِمَامَةَ» ثبت شده و در برخی دیگر مانند شرح

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۸۹

محمد عبده عبارت «وَأَلَمَانَاتٍ نِظَامًا لِلْأُمَّةِ» (عبده، بی تا، ج ۳، ص ۲۰۹ / رک: ابن میثم، ۱۳۶۶، ص ۶۳۶ / مغنیه، ۱۳۵۸، ج ۴، ص ۳۶۵) آورده شده، که هر دو نسخه متضمن تحریف است؛ زیرا معنا و سیاق مطلب مؤید نقل «الْإِمَامَةَ» است (لبیب بیضون، ۱۳۷۵، ص ۳۲۷). بعلاوه، در شرح ابن میثم (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۶۵) و بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۱۰)، جامع الأخبار (شعیری، ۱۴۰۵، ص ۱۲۳) و همچنین، در شرح نهج البلاغه از فیض الاسلام (نک. فیض الاسلام، بی تا، ص ۱۱۹۷) عبارت به صورت «وَأَلَمَامَةَ نِظَامًا لِلْأُمَّةِ» آمده است.

توضیح ابن ابی الحدید درباره متن نیز مؤید همین نقل است. وی می نویسد: «امامت به جهت نظم بخشی به امت، لازم گردید؛ زیرا که هرج و مرج، ظلم، غصب و دزدی از مردم برداشته نمی شود مگر با بازدارنده قوی، و صرف زشتی امر زشت و تهدید اخروی به عنوان عامل بازدارنده، کفایت نمی کند؛ بلکه لازم است حاکم قدرتمندی باشد تا به مصالح آنها نظم بخشد و ظالم آنها را باز دارد و جلو سفیهان را بگیرد» (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۹، ص ۸۹).

ب) حدیث «یوم الدار» را که ابلاغ علنی و انذار خویشاوندان پیامبر (ص) است فریقین، نقل کرده اند (امینی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۲۷۸-۲۸۳)؛ لکن نکته قابل توجه تحریف مغرضانه ای است که از سوی برخی از عالمان اهل سنت، در آن، به وقوع پیوسته است. در اینجا ابتدا، به توضیح اجمالی کیفیت انذار می پردازیم:

هنگامی که آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء: ۲۶ / ۲۱۴) و آیه «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (الحج: ۲۲ / ۹۴) نازل شد، پیامبر (ص) مأموریت یافت که دعوت خود را آشکار سازد و نخست، از خویشاوندانش شروع کند (ابن هشام حمیری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۸۰).

پیامبر اکرم (ص) براین اساس، بستگان نزدیکش را به خانه ابوطالب دعوت کرد. آنان در آن روز، حدود چهل نفر بودند و از عموهای آن حضرت، ابوطالب و حمزه و ابولهب حضور داشتند. پس از صرف غذا، هنگامی که پیامبر (ص) می خواست وظیفه خود را ابلاغ کند، ابولهب با گفته های خود، جلسه را به هم زد. در نتیجه، فردای همان روز، پیامبر اکرم (ص) آنها را بار دیگر، به مهمانی دعوت کرد.

در آن روز، بعد از صرف غذا چنین فرمود: «ای فرزندان عبدالمطلب، به خدا سوگند، هیچ جوانی را در عرب نمی شناسم که برای قومش، چیزی بهتر از آنچه من آورده ام آورده باشد. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خداوند به من دستور داده است که شما را دعوت به این آیین کنم؛ کدامیک از شما مرا در این کار، یاری خواهید کرد تا برادر من و وصی و جانشینم باشید؟»

جمعیت همگی سر باز زدند جز علی (ع) که از همه کوچکتر بود؛ برخاست و عرض کرد: ای پیامبر خدا، من در این راه، یار و یاور توام. پیامبر (ص) دست بر گردن علی (ع) نهاد و فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكُمُ فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوهُ»؛ این، برادر و وصی و جانشین من در شمامت؛ سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید. جمعیت از جا برخاستند، در حالی که خنده تمسخرآمیزی بر لب داشتند و به ابوطالب می گفتند: به تو دستور می دهد که گوش به فرمان پسرت بدهی و از وی اطاعت کنی!

۱. این حدیث را بسیاری از دانشمندان اهل سنت نقل کرده اند. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۷۲ / ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۲ / طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۷۵ / ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۵۳ / فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۳۴ / امینی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۸۳ / امین، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۱ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۱۹۱ / بحرانی، بی تا، ج ۶، ص ۱۶۶ / عسکری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۰۴).

۱۹۰ دو فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

برخی از علمای عامّه این حدیث را که نصّ صریح بر امامت و خلافت امیرمؤمنان (ع) است تقطیع نموده و در کتب خود از ذکر بعضی از فقرات آن، ابا کرده‌اند.

طبری در تاریخ خود با آن که جمله «وَصِيْبِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ» را ذکر کرده (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۶۲ و ج ۳، ص ۲۱۶)، باز در تفسیر خود، آنجا که عین این روایت را از جهت سند و متن به صورت کامل آورده است، به جای عبارت «وَصِيْبِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ»، عبارت «كُذَّاءٌ وَ كُذَّاءٌ» آورده و بدین صورت، حدیث را تحریف نموده است (امین، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۱). طبری در تفسیر خود به نقل از امام علی (ع) داستان یوم الدار را چنین نقل کرده است: «... قَالَ: فَأَيُّكُمْ يُؤَازِرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ، عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِي وَ كُذَّاءٌ وَ كُذَّاءٌ؟ قَالَ: فَأَحْجَمَ الْقَوْمُ عَنْهَا جَمِيعًا، وَ قُلْتُ وَ إِنِّي لَأُحَدِّثُهُمْ سَنًا وَ أَرْمَصُهُمْ عَيْنًا وَ أَعْظَمُهُمْ بَطْنًا وَ أَحْمَشُهُمْ سَاقًا: أَنَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَكُونُ وَزِيرَكَ، فَأَخَذَ بَرَقَبَتِي، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا أَخِي وَ كُذَّاءٌ وَ كُذَّاءٌ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا قَالَ: فَقَامَ الْقَوْمُ يَضْحَكُونَ وَ يَقُولُونَ لِأَبِي طَالِبٍ: قَدْ أَمَرَكَ أَنْ تَسْمَعَ لِأَبْنِكَ وَ تَطِيعَ» (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۱۵۳).

به پیروی از این تحریف آشکار، ابن کثیر دمشقی در «البدایة و النّهایة» (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۳) و نیز در تفسیر خود، به جای آن دو تعبیر «وَصِيْبِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ»، لفظ «كُذَّاءٌ وَ كُذَّاءٌ» آورده است (ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۶۴).

دکتر محمد حسین هیکل مصری در چاپ اول کتاب «حیة محمد» (هیکل، ۱۳۵۴، ص ۱۰۴) حدیث را به طور کامل، ذکر نموده و به اعتراض دیگران، چنین پاسخ می‌دهد که: من آنچه در تاریخ آمده، آورده‌ام؛ لکن بر اثر فشار زیاد، در چاپ دوم، مجبور به حذف آن می‌شود (امین، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۱/امینی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۸۸).
براستی، جای بسی شگفتی است که چگونه بزرگان تاریخ، حدیث و تفسیر، سعی در تحریف واقعیت و پوشاندن چهره حقیقت دارند! قرآینی در جریان دست است که هم اکنون نیز این عامل تعصب، در جریان تجدید چاپ کتب، برخی از مصححان اهل سنت را به تحریف واداشته است؛ ولی در مقابل، برخی از محققان معاصر پرده از تحریف و دستبرد در کتب حدیث و تاریخ اهل سنت برداشته‌اند (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱، صص ۱۱-۳۲).

برای نمونه، محقق عاملی از مسعودی، نقل می‌کند که می‌گوید: «عروة بن زبیر برادرش عبدالله را در محاصره بنی‌هاشم در دره‌ای در مکه و فراهم کردن هیزم برای آتش‌زدن آنان، معذور می‌دانست و می‌گفت: او این کار را برای آن کرد که تفرقه ایجاد نشود و مسلمانان با هم اختلاف نکنند و بنی‌هاشم نیز به طاعت او درآیند و در نتیجه، با هم متحد باشند؛ چنان‌که عمر بن خطاب، وقتی بنی‌هاشم از بیعت با ابوبکر درنگ کردند، هیزم آماده کرد تا خانه را بر روی آنها آتش زند» (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۶). این مطلب را مسعودی در «مروج الذهب»، طبع میمنیه، آورده است (مسعودی، بی تا، ج ۳، ص ۸۶)؛ در حالی که در دیگر چاپهای این کتاب، عبارت «چنان‌که عمر بن خطاب، وقتی...» حذف شده است. ابن ابی‌الحدید نیز به نقل از مسعودی، نص عبارت وی را همانند چاپ میمنیه آورده است (ابن ابی‌الحدید، بی تا، ج ۲۰، ص ۱۴۷).

همچنین، سیوطی از ابن عباس درباره آیه «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» (البقره: ۲/۲۷۴) نقل می‌کند که وی می‌گوید: این آیه درباره علی بن ابی‌طالب (ع) است. او چهار درهم داشت، درهمی را نهان، و درهمی را آشکار، و درهمی را در شب، و درهمی را در روز انفاق کرد (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۳/مجلسی،

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۹۱

۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۶۲/ ابن مغزلی، ۱۴۲۴، ص ۲۴۲/ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۴/ ابن اثیر، بی تا، ج ۴، ص ۲۵/ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۲۶/ هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۳۲۴).

استاد محمد مهدادی معرفت در «التفسیر الاثری الجامع»، می نویسد: این حدیث را در هفت چاپ از تفسیر طبری حذف نموده اند و تنها در چاپ «مرکز هجر للبحوث و الدراسات» (ج ۵، ص ۳۵)، آمده است (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۴۱۸).^۱

۳-۴. تقطیع نادرست

گاه تقطیع حدیث موجب تحریف می شود و آن هنگامی است که بخش وابسته و متعلق به بخش های دیگر را به صورت جداگانه نقل کنند؛ مانند حدیثی که از پیامبر (ص)، نقل شده که فرمود: «الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثِ الْمَرْأَةِ وَ الدَّارِ وَ الْفَرَسِ»؛ شومی و نکبت در سه چیز است، زن، خانه و اسب. (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۰۴/ ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۳۶/ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۳۱/ شوکانی، ۱۹۷۳، ج ۷، ص ۳۷۴). حقیقت این است که صدر حدیث را حذف نموده اند که چنین بوده است: «كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ إِنَّمَا الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثِ الْمَرْأَةِ وَ الدَّارِ وَ الْفَرَسِ». (ابن حنبل، بی تا، ج ۶، ص ۲۴۶) مردمان عصر جاهلیت می گفتند: شومی در سه چیز است: زن و خانه و اسب (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱، ص ۱۸۶). حذف صدر حدیث معنای آن را با مشکل مواجه می سازد.

۴-۴. جهل و عدم معرفت کافی به آموزه های دینی

در حدیثی امام عسکری (ع)، آن حضرت جهالت را عامل تحریف دانسته و فرموده است: «همانا تخلیط و درآمیختگی در روایاتی که از ما اهل بیت (ع) دریافت نموده اند زیاد شده است؛ زیرا افراد فاسق، سخنان ما را می گیرند و به سبب جهالت خود، تمام آن را تحریف می کنند و تغییر می دهند. گروهی از اینان به جهت شناخت اندک و محدود خود، مطالب را بر غیر معنای خود حمل می کنند و جمعی دیگر نیز از روی عمد، بر ما دروغ می بندند تا کمی از متاع دنیا را به سوی خود جلب نمایند - همان متاعی که توشه جهنم آنان خواهد شد» (امام عسکری ع، ۱۴۰۹، ص ۳۰۰/ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۵۸/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۸۸).

برای نمونه، ابوهیریه از نبی اکرم (ع) نقل کرده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۳)؛ خداوند عز و جل حضرت آدم (ع) را بر صورت خویش آفریده است. شیخ صدوق (ره) در «کتاب التوحید» بر این باور است که متن اصلی حدیث چنین بوده است: «عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: سَمِعَ النَّبِيَّ (ص) رَجُلًا يَقُولُ لِرَجُلٍ قَبَّحَ اللَّهُ وَجْهَكَ وَ وَجْهَ مَنْ يُشْبِهُكَ فَقَالَ (ص): مَهْ لَأَتَقَلَّ هَذَا فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ». این حدیث از سوی مشبهه که قائل به شباهت خداوند متعال با موجودات اند تحریف شده و آنان به هدف دلیل تراشی بر مدعی باطل خود، دست به حذف صدر حدیث زده اند (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۵۲/ میرداماد، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵).

۱. نک. نمونه هایی از تحریف با انگیزه مذهبی: قزوینی، ۱۳۶۳، ص ۴۳۰، ش ۲۵/ مایل هروی، ۱۳۶۹، صص ۷۹-۸۰ و ۲۰۲ و ۲۰۵.

۴-۵. حذف قراین

از دیگر عوامل تحریف، می‌توان به نقل حدیث بدون ذکر قراین، بویژه سبب صدور حدیث، یاد کرد. راوی از عایشه درباره فرار کردن از بیماری طاعون می‌پرسد و او می‌گوید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْفِرَارُ مِنَ الطَّاعُونِ كَالْفِرَارِ مِنَ الزَّحْفِ» (ابن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۹۸۶/سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۳۱)؛ فرار از طاعون مانند فرار از جنگ (و حرام) است. برخی از عالمان اهل سنت به استناد حدیث عایشه، فرار از بیماری طاعون را حرام و برخی مکروه دانسته‌اند (ألوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۲۹۲/جصاص، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۴۵). با در نظر گرفتن سبب صدور حدیث، مقصود اصلی حضرت روشن می‌شود.

توضیح این‌که ابان بن عثمان احمر گوید: یکی از یاران ما از امام کاظم (ع) پرسید: بیماری طاعون در شهر یا آبادی و یا خانه‌ای شایع است و من هم در آنجا هستم؛ آیا از آنجا بروم؟ فرمود: بله؛ گفتم: حدیثی به ما رسیده که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: فرار از طاعون مانند فرار از برابر سپاه انبوه دشمن است؛ فرمود: «رسول خدا (ص) این سخن را درباره گروهی فرموده است که مرز نشین هستند و در برابر دشمن قرار دارند. طاعون به آنجا می‌آید و سربازان سرزمینهای خودشان را خالی می‌کنند و از آنجا می‌گریزند. پیامبر (ص) در خصوص آنان فرمود که فرار از طاعون همانند فرار از جنگ است» (صدوق، ۱۳۶۱، ۲۵۴/جزائری، ۱۴۰۴، ص ۳۱۵).

۵. مراحل کشف تحریف

مراحل کشف و شناسایی تحریفات متن حدیث عبارت‌اند از:

(الف) احتمال دادن تحریف با توجه به عواملی نظیر غرابت کلمه و عبارت تکلف‌آمیز؛

(ب) اثبات اجمالی تحریف از طریق مراجعه به نسخه‌های گوناگون و اختلاف میان آنها؛

(ج) اثبات محرّف بودن عبارت حدیث به دلایلی مانند مخالفت مضمون آن با قرآن، عقل و سنت قطعی، مخالفت با ضروریات دین یا مذهب، مخالفت با مسلمات تاریخ یا قطعیات علمی و ناسازگاری عبارت با سیاق و...؛

(د) کشف عبارت صحیح حدیث با مراجعه به نسخه‌های معتبر و قدیمتر (مایل هروی، ۱۳۶۹، صص ۱۸۱-۲۰۰). بدیهی است که استفاده از منابع و مصادر اصلی و جوامع حدیثی متقدم و متأخر شیعی و اهل سنت ضرورت دارد. حتی گاهی برای به دست آوردن عبارت صحیح، مراجعه به کتاب‌های مربوط به واژه‌ها و موضوع متن حدیث - از جمله فرهنگ‌های لغت، تاریخ، جغرافیا و انساب - لازم است (ر.ک: پی‌نوشت شماره ۵).

کشف و شناسایی موضع تحریف، پی‌گیری حدیث‌پژوه را می‌طلبد تا با تشکیل خانواده حدیث، یعنی جامع‌نگری و یافتن تمام احادیث مشابه و مرتبط به موضوع، به متن منقّح و غیر محرّف آن دست یابد. پاره‌ای از معارف اهل بیت (ع)، تبیین و روشن‌نگری روایات نارسا و محرّفی بوده است که از حضرات معصومین پیش از آنان نقل شده است. در این مورد، امام (ع) واقعیت حدیث را در اختیار راوی قرار می‌دهد و بدین وسیله، نارسایی موجود برطرف و راه فهم درست حدیث هموار می‌گردد.

از نمونه‌های احادیث تحریف شده لفظی و معنوی که توسط معصوم بعدی اصلاح شده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

(۱) عبد العظیم حسنی از ابراهیم بن ابی محمود روایت کرده که گوید: «به امام رضا (ع) عرض کردم: یابن

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۹۳

رسول الله، چه می‌فرماید در حدیثی که مردم آن را از رسول خدا (ص) روایت می‌کنند که آن حضرت فرمود: خدای تبارک و تعالی هر شب، به آسمان دنیا فرود می‌آید. حضرت فرمود: خداوند لعنت کند آنان را که سخن را از جایگاهش تحریف می‌کنند! به خدا سوگند، رسول خدا این چنین نفرموده است؛ فقط فرمود: خدای تبارک و تعالی هر شب، در ثلث آخر و در شب جمعه، از اول شب، فرشته‌ای را به سوی آسمان دنیا فرو می‌فرستد و او را می‌فرماید که ندا کند: آیا هیچ سؤال‌کننده‌ای هست که به او عطا کنیم؟ آیا هیچ توبه‌کننده‌ای هست که توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست تا من او را بیامرزم؟ ای خواهان خوبی، رو بیاور و ای خواهان بدی، بازایست و کوتاه کن! آن ملک تا صبح طالع، این چنین ندا می‌دهد. آنگاه که صبح طلوع می‌کند، به محل خود در ملکوت آسمانها می‌رود. بعد امام فرمود: این حدیث را پدرم از جدم از پدرانش از رسول خدا (ص) روایت کرده است (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۷۶ و ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۲۱ و ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۲۶ / طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۱۰).

۲) از اسماعیل بن مسلم سکونی نقل شده که مردی به امام صادق (ع) عرضه داشت: «یابن رسول الله، گروهی از علمای عامه از پیامبر (ص) روایت می‌کنند خداوند کسانی را که بسیار گوشت می‌خورند دشمن دارد و بد می‌داند خانواده‌ای را که هر روز در خانه‌شان، گوشت خورده شود؛ امام (ع) فرمود: اشتباه روشنی کردند. همانا پیامبر (ص) فرموده است: خدا دشمن دارد خاندانی را که در خانه‌شان گوشت مردم خورده شود؛ یعنی درباره آنها غیبت کنند. آنها را چه شده؟ خدا رحمتشان نکند! با روایات بسیار خود، حلال خدا را عمداً حرام کردند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۴ و ج ۸، ص ۲۲۲ / ورام، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۰ / طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۸۴ / صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۸۵ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، صص ۶۰، ۷۲، ۷۶).

۳) عبد الاعلی بن اعیان گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: «قربانت کردم؛ سنی‌ها حدیثی از پیامبر (ص) روایت می‌کنند که آن حضرت فرمود: از گفته‌های بنی اسرائیل بگو که اشکالی ندارد؛ آیا درست است؟ فرمود: بلی، گفتم: پس هر چه از بنی اسرائیل شنیدیم، بازگو نماییم و برای ما اشکالی ندارد؟ فرمود: مگر نشنیده‌ای سخنی را که فرمود: دلیل بر دروغگو بودن انسان همین بس که هر چه را بشنود بازگو نماید؟ عرض کردم: پس مصداق آن فرمایش پیامبر (ص) چگونه است؟ فرمود: منظور آن است که هر چه در قرآن، از ماجراهای بنی اسرائیل آمده تو بازگو کن که در این امت اسلام پیش خواهد آمد و باکی بر آن نیست» (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۱۵۹ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۹).

۶. پیامدهای تحریف روایات

به طور طبیعی، تحریف روایات، ضرر و زیانهایی را به همراه داشته و دارد که به عمده‌ترین آنها به طریق اجمال، اشاره می‌کنیم:

۱) راه یافتن اشتباه و خطا در پاره‌ای از روایات، در حالی که محال است کلام معصوم (ع) لغزش یا خطایی داشته باشد؛

۲) ابهام و نارسایی عبارات. گاه، تحریف سبب بروز تقدیم و تأخیر و زیاده و نقصان در الفاظ برخی روایات می‌شود و فهم حدیث را دچار مشکل می‌کند.

۳) تعارض و اختلاف در اخبار. از آنجا که گاهی این تحریف موجب تعارض شده است، با طرح احتمال تحریف در یکی از دو طرف و بازگرداندن روایت به حالت اول، دیگر تعارضی باقی نمی‌ماند؛

۱۹۴ دو فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بار این دین را در هر دوره‌ای، عادلانی چند بر دوش می‌کشند؛ حاملانی که بسان زدودن زنگار از آهن زنگ‌زده، دین را از تأویل‌ها و توجیه‌های ناروای ناحقان و تحریف کج‌اندیشان گزافه‌گو و استقبال و پذیرش ناآگاهان، می‌زدایند» (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰ / حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۷، ص ۱۵۱ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۲).

۵) اضطراب و تشویش در متن پاره‌ای از روایات که حدیث‌پژوه را در فهم صحیح حدیث سردرگم می‌کند؛
 ۶) تغییر مفاهیم و آموزه‌های دینی؛ تحریف اخبار و احادیث نقش مؤثری در تغییر آموزه‌های دینی داشته و دارد. مثلاً، زهد که در اسلام به معنای دل‌ن بستن به دنیاست، برخی آن را به معنای رها کردن کار و تلاش در امور زندگی، گرفته‌اند و یا انتظار فرج را که به معنای آمادگی برای نبرد بزرگ است در انتظار نشستن و کاری نکردن و دست روی دست گذاشتن تلقی کرده‌اند و یا توکل را به معنای تبلیغ تنبلی و کسل بودن و تلاش نکردن تعبیر و تفسیر کرده‌اند.^۱

از باب نمونه، محقق غفاری در باره دو روایت «إِنَّ خَطَأَ الْمَرْأَةِ وَالْفُلَامِ عَمْدٌ» و «إِنَّ خَطَأَ الْمَرْأَةِ وَالْعَبْدِ مِثْلُ الْعَمْدِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۳۰۱ / صدوق، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۱۳ / طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۲۴۲ و ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۸۶)؛ با توجه به این که روایت بر خلاف قرآن و سنت، قتل خطای زن و پسر بچه را در حکم عمد می‌داند بر این باور است که کلام امام (ع) تحریف و تصرف و نقل به معنا شده و آن لفظ محرّف به نظر راوی، تفسیر شده است؛ مثلاً امام (ع) فرموده: «عَمْدُ الصَّبِيِّ وَخَطَأُهُ وَاحِدٌ» و یا علی (ع) می‌فرمود: «عَمْدُ الصَّبِيَّانِ خَطَأٌ» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۲۳۳؛ صدوق، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۴۸۷).

نتیجه‌گیری

۱. تحریف در حدیث، گاهی لفظی است و گاهی معنوی. تحریف معنوی یعنی «منحرف کردن روح و معنای یک جمله یا یک حادثه»؛ در برابر تحریف لفظی که مقصود تغییر در الفاظ حدیث به زیادی و نقصان و... می‌باشد.
۲. تعصّب مذهبی ناسخان و اعمال سلیقه آنان، تقطیع نادرست و تدلیس و فریبکاری راوی را می‌توان از مهمترین عوامل تحریف برشمرد.
۳. باید اعتراف کرد که احادیث از گزند تحریف مصون نمانده‌اند و این امر پیامدهایی به دنبال داشته است. تحریف سبب ابهام و نارسایی عبارات، اضطراب، تعارض و تغییر در مقاصد حدیث شده و تأثیر نامطلوبی در انتقال معانی آنها داشته است.
۴. کشف و شناسایی تحریف پیگیری حدیث‌پژوه را می‌طلبد تا با تشکیل خانواده حدیث، یعنی جامع‌نگری و یافتن تمامی احادیث مشابه و مرتبط به موضوع، به متن منقّح و غیر محرّف حدیث دست یابد. پاره‌ای از احادیث اهل بیت (ع) در هر زمان، تبیین و روشنگری روایات نارسا و یا محرّفی بوده است که به معصوم پیش از آنان نسبت داده شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. به قرینه «مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ»، یعنی پس از آنکه مراد کلام را می‌دانستند آن را از معنای صریح منحرف

۱. ایجاد اختلاف و فرقه‌گرایی، تحجرگرایی و مقدس مآبی، انحطاط فکری جامعه مسلمان و... از دیگر پیامدهای تحریف در روایات است.

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۹۵

می‌کردند. مثلاً، یهودیان می‌گفتند: مراد از این جمله خاتم پیغمبران نیست؛ بلکه جبرئیل است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۲۰).

۲. به قرینه ﴿مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ﴾ (المائدة: ۴۱ / ۵) و ﴿عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾ (النساء: ۴۶ / ۴).

۳. برخی محرف و مصحف را یکی دانسته‌اند و برخی تصحیف را اعم از تحریف و برخی تحریف را اعم از تصحیف دانسته‌اند که هرگونه تغییر در کلام را شامل است. بعضی تصحیف را مختص به تغییر لفظ از حیث نقطه دانسته و تحریف را تغییر در شکل کلمه گفته‌اند (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۴۳)؛ ولی میرداماد محرف را جدا از مصحف دانسته است (میرداماد، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵). ابن حجر کاربرد هر دو را در جایی دانسته که صورت خط در سیاق لفظ حفظ شده باشد، با این تفاوت که مواردی را که عامل تغییر واژه، اشتباه در نقطه‌گذاری باشد، «تصحیف» و مواردی را که عامل این تغییر، دگرگونی حرکات و سکنات (شکل) باشد، «تحریف» خوانده است. إِنَّ الْمُخَالَفَةَ إِنْ كَانَتْ بِتَغْيِيرِ حَرْفٍ أَوْ حُرُوفٍ مَعَ بَقَاءِ صُورَةِ الْخَطِّ فِي السِّيَاقِ، فَإِنَّ كَانَ ذَلِكَ بِالنَّسْبَةِ إِلَى النَّقْطِ فَالْمُصْحَفُ، وَإِنْ كَانَ بِالنَّسْبَةِ إِلَى الشَّكْلِ فَالْمُحَرَّفُ. (حافظیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۰۴ به نقل از نزهة النظر فی توضیح نخبه الفکر، ص ۹۴).

۴. امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص)، عصای کوتاهی در هنگام نماز در مقابل خود قرار می‌داد. در حدیث دیگری می‌فرماید: «كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) عَنزَةٌ فِي أَسْفَلِهَا عَكَازٌ يَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَيُخْرِجُهَا فِي الْعِيدَيْنِ يُصَلِّي إِلَيْهَا». (صدوق، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۰۹) رسول خدا (ص) عصایی داشت که دسته‌اش از آهن بود، بر آن تکیه می‌کرد و در عید فطر و قربان، آن را بیرون می‌آورد و به طرف آن نماز می‌خواند.

۵. در کشف عبارت صحیح، دو قاعده مهم: قاعده «ارجاع موارد نادر به موارد شایع» و قاعده «ترجیح نسخه نامأنوس‌تر» به کار گرفته می‌شود. (شبیری، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۳۵۷)

۱۹۶ دو فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

منابع و مأخذ

-قرآن کریم.

- نهج البلاغه؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج البلاغه؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرّم؛ *أسد الغابه فی معرفه الصحابه*؛ تهران: انتشارات إسماعیلیان، بی تا.
۳. —؛ *الکامل فی التاریخ*؛ بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
۴. ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرّم؛ *النهایه فی غریب الحدیث*؛ تحقیق: طاهر أحمد الزاوی، محمود محمد الطنّاحی، چ ۴، قم: مؤسسه إسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
۵. ابن بطریق، یحیی بن حسن حلی؛ *العمده*؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن محمد؛ *فتح الباری*؛ چ ۲، بیروت: دار المعرفه، بی تا.
۷. —؛ *تهذیب التهذیب*؛ بیروت: دار الفكر للطباعه و النشر والتوزیع، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۸. —؛ *لسان المیزان*؛ چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۱ م.
۹. ابن حنبل، احمد؛ *المسند*؛ بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۰. ابن راهویه، إسحاق؛ *مسند ابن راهویه*؛ تحقیق: عبد الغفور حسین برد البلوسی، المدینه المنوره: مکتبه الإیمان، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ *مناقب آل أبی طالب (ع)*؛ قم: مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۲. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله؛ *التمهید*؛ تحقیق: مصطفی بن أحمد العلوی و محمد عبد الکیبر البکری، المغرب: وزاره عموم الأوقاف والشؤون الإسلامیه، ۱۳۸۷ ق.
۱۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل؛ *البدایه و النهایه*؛ تحقیق: علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۱۴. —؛ *تفسیر ابن کثیر*؛ تحقیق: یوسف عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. ابن مزاحم منقری، نصر؛ *وقعه صفین*؛ تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. ابن مغزلی شافعی، علی بن محمد؛ *مناقب الامام علی بن أبی طالب (ع)*؛ چ ۳، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۲۴ ق.
۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی بن میثم؛ *اختیار مصباح السالکین*؛ مصحح: محمد هادی امینی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.
۱۹. —؛ *شرح نهج البلاغه*؛ چ ۲، بی جا: دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲ ش.
۲۰. ابن هشام حمیری، عبد الملک؛ *السیره النبویه*؛ تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، القاهره: المدنی، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳ م.
۲۱. آلوسی، سید محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت:

تحریر در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۹۷

- دارالکتب، ۱۴۱۵ ق.
۲۲. امام عسکری (ع)، حسن بن علی؛ *التفسیر المنسوب إلى الامام الحسن العسکری (ع)*؛ قم: مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. امین، سید محسن؛ *أعیان الشیعه*؛ تحقیق: حسن الامین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.
۲۴. امینی، عبدالحسین؛ *الغدیر فی کتاب و السنه و الادب*؛ ج ۴، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۹۷ ق.
۲۵. بحرانی، سید هاشم؛ *غایه المرام*؛ تحقیق: سید علی عاشور، بی جا: بی تا.
۲۶. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *صحیح البخاری*؛ افست چاپ استانبول: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م.
۲۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ *رجال البرقی - الطبقات*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۲۸. بیهقی، احمد بن حسین؛ *السنن الکبری*؛ بی جا: دار الفکر، بی تا.
۲۹. ترمذی، محمد بن عیسی؛ *سنن الترمذی*؛ تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، ج ۲، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۳۰. تهرانی، محمد حسین؛ *امام شناسی*؛ ج ۱۳، مشهد: موسسه ترجمه و نشر، ۱۴۲۱ ق.
۳۱. جدیدی نژاد، محمد رضا؛ *معجم مصطلحات الرجال والدرایه*؛ اشراف: محمد کاظم رحمان ستایش، ج ۲، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۴ ق / ۱۳۸۲ ش.
۳۲. جزائری، سید نعمت الله؛ *النور المبین فی قصص الانبیاء و المرسلین*؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۳۳. —؛ *نور البراهین*؛ تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۳۴. جصاص، احمد بن علی؛ *أحكام القرآن*؛ تحقیق: عبد السلام، محمد علی شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳۵. جلالی، عبدالمهدی؛ «سیری در کتاب الاخبار الدخیله»؛ علوم حدیث، ش ۲، زمستان ۱۳۷۵.
۳۶. حافظیان بابلی، أبو الفضل؛ *رسائل فی درایه الحدیث*؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۵ ق / ۱۳۸۳ ش.
۳۷. حاکم نیشابوری، محمد؛ *المستدرک علی الصحیحین*؛ اشراف: یوسف عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دار المعرفه، بی تا.
۳۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه*؛ ج ۳، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ ق.
۳۹. حلبی، علی بن برهان الدین؛ *السیره الحلبیه*؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۰ ق.
۴۰. (علامه) حلی، حسن بن یوسف؛ *کشف الیقین*؛ تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۴۱۱ ق.
۴۱. —؛ *نهج الحق و کشف الصدق*؛ بیروت: دار الکتب اللبنانی، ۱۹۸۲ م؛
۴۲. حمیدی، عبد الله بن الزبیر؛ *المسند*؛ تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م.
۴۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ *تاریخ بغداد*؛ بیروت: دار الفکر، بی تا.

۱۹۸ دو فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۴۴. خلیل بن احمد، فراهیدی؛ *العین*؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۴۰۵ ق.
۴۵. دارمی، عبد الله بن بهرام؛ *سنن الدارمی*؛ دمشق: مطبعة الحديث، ۱۳۴۹ ق.
۴۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن؛ *إرشاد القلوب إلى الصواب*؛ قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۴۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*؛ دمشق و بیروت: دارالعلم و الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۴۸. رحمانی همدانی، احمد؛ *الامام علی بن ابی طالب (ع)*؛ تهران: المنیر، ۱۴۱۷ ق.
۴۹. زبیدی، محمد بن محمد بن مرتضی حسینی؛ *تاج العروس*؛ تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۴ م.
۵۰. سبحانی، جعفر؛ *اصول الحدیث و احکامه*؛ چ ۵، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ ق.
۵۱. سید بن طاوس، علی بن موسی؛ *الیقین*؛ قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق.
۵۲. سیوطی، جلال الدین؛ *الجامع الصغیر*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م.
۵۳. —؛ *الدر المنثور*؛ بیروت: دار المعرفه للطباعة والنشر، بی تا.
۵۴. شافعی، محمد بن ادريس؛ *المسند*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
۵۵. —؛ *کتاب الام*؛ چ ۲، بی جا: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
۵۶. شبیری، سید محمدجواد؛ *دانشنامه جهان اسلام، تصحیف و تحریف*؛ تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۵۷. شریعتمداری، محمد جعفر؛ *لب اللباب فی علم الرجال*، به کوشش: مهدی مهریزی و همکاران، دفتر دوم، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۸ ش.
۵۸. شعیری، تاج الدین؛ *جامع الاخبار*؛ قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ ق.
۵۹. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم؛ *الملل و النحل*؛ تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت: دار المعرفه، بی تا.
۶۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ *الرعايه فی علم الدرايه*؛ تحقیق: بقال، چ ۲، قم: مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۱۳ ق.
۶۱. شهیدی، سید جعفر؛ *ترجمه نهج البلاغه*؛ چ ۲، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۶۲. شوشتری، قاضی نورالله؛ *الصوارم المهرقه فی جواب الصواعق المحرقة*؛ تهران: انتشارات چاپخانه نهضت، ۱۳۶۷ ق.
۶۳. شوشتری، محمد تقی (تستری)؛ *الاخبار الدخیلة*؛ تحقیق: علی اکبر غفاری، چ ۲، تهران: نشر صدوق، ۱۴۰۱ ق.
۶۴. شوکانی، محمد بن علی؛ *فتح القدير*؛ دمشق، بیروت: دار ابن کثیر، دار الکتب الطیب، ۱۴۱۴ ق.
۶۵. —؛ *نیل الاوطار*؛ بیروت: دار الجیل، ۱۹۷۳ م.
۶۶. صدر، حسن؛ *نهايه الدرايه*؛ تحقیق: ماجد الغرابوی، قم: نشر المشعر، بی تا.
۶۷. صدوق، محمد بن علی؛ *التوحيد*؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۶۸. —؛ *الخصال*؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۱۹۹

۶۹. —؛ *أمالی الصدوق*؛ ج ۵، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق
۷۰. —؛ *علل الشرایع*؛ قم: انتشارات مکتبه‌الداوری، بی تا.
۷۱. —؛ *عیون اخبار الرضا(ع)*؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۷۲. —؛ *معانی الاخبار*؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش.
۷۳. —؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۷۴. —؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۷ ش.
۷۵. صفدی، خلیل بن أبیک؛ *الوافی بالوفیات*؛ تحقیق: أحمد الأرناؤوط وترکی مصطفی، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۲۰ ق.
۷۶. طباطبائی، محمد حسین؛ *سنن النبی (ص)*؛ ترجمه: محمد هادی فقهی، ج ۷، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۷۷. طبرسی، احمد بن علی؛ *الاحتجاج علی اهل اللجاج*؛ مشهد مقدس: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۷۸. طبرسی، حسن بن فضل؛ *مکارم الاخلاق*؛ ج ۴، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
۷۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر؛ *تاریخ الطبری*؛ بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۸۰. —؛ *جامع البیان*؛ تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۸۱. طریحی، فخر الدین؛ *مجمع البحرین*؛ ج ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۸۲. طوسی، محمد بن حسن؛ *اختیار معرفه الرجال*؛ تحقیق: محمدباقر میر داماد و سید مهدی رجائی، قم: مؤسسه‌ال بیت، ۱۴۰۴ ق.
۸۳. —؛ *الاستبصار*؛ تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ق.
۸۴. —؛ *تهذیب الاحکام*؛ تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ق.
۸۵. عاملی، حسن بن زین الدین شهید ثانی؛ *منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان*؛ تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۸۶. عاملی، حسین بن عبد الصمد (پدر شیخ بهایی)؛ *وصول الاخبار إلى أصول الصحاح*؛ تحقیق: عبداللطیف کوهکمره‌ای، قم: مجمع ذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.
۸۷. عاملی، سید جعفر مرتضی؛ *مأساه الزهراء (س)*؛ بیروت: دار السیره، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.
۸۸. —؛ *دراسات وبحوث فی التاریخ والاسلام تحت عنوان: اعرف الکتب المحرفه*؛ بیروت: مرکز جواد، ۱۴۱۴ ق.
۸۹. عبده، محمد؛ *شرح نهج البلاغه*؛ مصحح: محمد محیی الدین عبدالحمید، بی جا: مطبعه الاستقامه، بی تا.
۹۰. عسکری، سید مرتضی؛ *عبد الله بن سبا*؛ ج ۶، بی جا، نشر توحید، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۲ م.
۹۱. —؛ *نقش ائمه در احیاء دین*؛ ج ۵، تهران: مجمع علمی اسلامی، بی تا.
۹۲. عمرو بن أبی عاصم؛ *کتاب السنه*؛ تحقیق: محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۳، بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۹۳. فیروز آبادی، سید مرتضی؛ *فضائل الخمسه من الصحاح السنه*؛ ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲ ق.

 ۲۰۰ دو فصلنامه کتاب قیّم، سال چهارم، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۹۴. فیض الاسلام، علی نقی؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ تهران: بی نا، بی تا.
۹۵. قاسمی، محمد جمال الدین؛ قواعد التحذیر؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۹۶. قرشی، سیدعلی اکبر؛ قاموس قرآن؛ چ ۶، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۹۷. قزوینی، محمد؛ یادداشت های قزوینی؛ به کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳ ش.
۹۸. کشی، محمد بن عمر؛ رجال کشی؛ مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۳۴۸ ش.
۹۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چ ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۱۰۰. لیب، بیضون؛ تصنیف نهج البلاغه؛ چ ۳، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰۱. مامقانی، عبد الله؛ مقیاس الهدایه فی علم الدرایه؛ تحقیق: محمد رضا المامقانی، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ ق.
۱۰۲. مایل هروی، نجیب؛ نقد و تصحیح متون: مراحل نسخه شناسی و شیوه های تصحیح نسخه های خطی فارسی؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۱۰۳. متقی هندی، علی؛ کنز العمال؛ چ ۵، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق.
۱۰۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۳ ق.
۱۰۵. محمد بن عقیل؛ النصائح الکافیة؛ قم: دار الثقافة للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ ق.
۱۰۶. مسعودی، علی بن حسین؛ مروج الذهب و معادن الجوهر؛ بی جا: طبع المیمیه، بی تا.
۱۰۷. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۰۸. مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی؛ چ ۸، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷ ش.
۱۰۹. —؛ مجموعه آثار؛ چ ۶، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۱۱۰. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر الاثری الجامع؛ قم: مؤسسه التمهید، جلد ۱، ۱۳۸۳ ش؛ جلد ۶، ۱۳۸۷ ش.
۱۱۱. —؛ صیانه القرآن من التحریف؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۱۲. مغربی، أحمد بن صدیق؛ فتح الملک العلی؛ تحقیق: محمد هادی آمینی، چ ۲، اصفهان: مکتبه الإمام امیر المؤمنین علی (ع) العامه، ۱۴۰۳ ق.
۱۱۳. مغنیه، محمد جواد؛ فی ظلال نهج البلاغه؛ چ ۳، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۵۸.
۱۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۱۵. مناوی، محمد عبد الرؤوف؛ فیض القدر شرح الجامع الصغیر؛ ج ۴، تصحیح: أحمد عبد السلام، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۱۶. میرداماد، محمدباقر؛ الرواشح السماویه؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۱۱۷. میلانی، سید علی؛ نفحات الازهار؛ بی جا: مهر، ۱۴۱۴ ق.
۱۱۸. نسائی، أحمد بن شعیب؛ السنن الکبری؛ تحقیق: عبد الغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۱۹. نسائی، أحمد بن شعیب؛ فضائل الصحابه؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.

تحریف در حدیث، عوامل و پیامدها ۲۰۱

۱۲۰. هیثمی، علی بن ابی بکر؛ *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۱۲۱. هیکل مصری، محمد حسین؛ *حیاه محمد (ص)*؛ قاهره: مطبقة مصر، ۱۳۵۴ ق.
۱۲۲. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل؛ *الفوائد الحائریه*؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۱۲۳. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل؛ *مصابیح الظلام*؛ قم: مؤسسه العلامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۲۴ ق.
۱۲۴. ورام ابن ابی فراس؛ *مجموعه ورام (تنبییه الخواطر)*؛ قم: مکتبه فقیه، بی تا.

Archive of SID

التحريف في الحديث، اسبابه و آثاره

سيدعلی دلبری^١

نظراً الى ان الحديث عرضة للآفات (التي تحول دون فهمها) كان المحدثون منذ القديم يعتقدون بان الاستفادة من هذه الكنوز الثمينة بحاجة ماسة الى مقدمات، منها معرفة الآفات وإزالة آثارها السلبية والتحريف بمعنى التغيير في اللفظ او المعنى يُعتبر أحد آفاته الذي يحتاج الى دراسة عميقة لتمييزه والنظر الى آثاره السلبية فان تحريف النصوص الدينية امر قديم وقد اهتم به منذ زمن بعيد المفكرون المسلمون وعلماء الحديث خاصة وانتهج المقال هذا منهجاً وصفيّاً تعليقياً بغية ايضاح اسباب التحريف وآثاره في الحديث. وبما ان تغييراً يسيراً في حروف ومفردات الحديث يحول دون الوصول الى مراد المعصوم (ع) فإمعان النظر في هذه الآفة هامة للغاية. وقد تمّت في هذا المقال دراسة مفهوم التحريف وأنواعه وأسبابه وآثاره.

ان الإبهام والخلل في العبارات والتشوش والتناقض والتغيير في أهداف ومقاصد الحديث من آثار تحريف الحديث ويمكن رفعها عن طريق تأليف قائمة متكاملة للحديث وعن طريق جمع الأحاديث المتشابهة والمرتبطة مع بعضها في موضوع واحد حتى يمكن الوصول إلى نصّ منقّح وغير محرّف للحديث. الكلمات الرئيسية: فقه الحديث، تحريف الحديث، الحرّف، آفات فهم الحديث.